

متن پرسش

در زمانی اینچنین، دچار احوالاتی متناقض و داغون می‌شوم. باز از خود گلایه می‌کنم. باز خودی که هیچ است را نگاه می‌کنم؛ به دل خراباتی خود نگاه می‌کنم؛ به داغون بودن خود نگاه می‌کنم؛ هیچ نمیابم؛ و چه می‌توانم بکنم؟ عجز و ناتوانی و درماندگی و درماندگی تمام وجودم را می‌گیرد؛ کارها هستند می‌آیند و می‌روند، هیئت‌ها می‌آیند و می‌روند و من گویی داغونتر می‌شوم گویی سوخته تر در وجود خود می‌شوم؛ از خود می‌پرسم: آخر چها شده که دل غریبیات پایان ندارد و نمی‌پذیرد پایانی را و بهانه‌گیر است و گمگشته و درگشته است. نمی‌دانم!

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این یعنی دل، آمادهٔ معرفت عمیق‌تری است برای درک کربلایی که به نهایی‌ترین انسان نظر دارد. عرایضی در روز تاسوعا تحت عنوان «کربلا و نظر به نهایی‌ترین حضور» <https://eitaa.com/matalebevijeh/19788> انجام شد. امید است که اشاره‌ای باشد به آنچه امثال جنابعالی باید در ادامهٔ دینداری مدّ نظر قرار دهید. موفق باشید